

عنوان مقاله:

بازآفرینی و تجدیدحیات پایدار شهری، رویکرد؛ احیاء فرهنگ معماری بومی سرزمینی و حفاظت محور

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی مهندسی محیط زیست (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 35

نویسنده:

حسین شیخ حسنی - استادیار دانشگاه پیام نور

خلاصه مقاله:

فضای شهری جزئی از هویت شهری است و این هویت بوسیله انگاره های ذهنی، فرهنگ، باورها، تجربیات، تعلق خاطر و کهن الگوهای طراح نگاشت، و توسط معمار اجرا می گردد. هر ساختمانی که ساخته می شود، چون ساخته می شود در زمره تولیدات فیزیکی شهری قرار می گیرد و چون به ناچار با زندگی مردمان شهر در ارتباط است و بازتابی از باورها، نیازها و اهداف آنان می باشد، بخشی از یک جریان زنده و در پیچه ای به سوی خوانش معماری معاصر خواهد بود؛ علیرغم مخالفت دسته ای از معماران به ویژه معماران نخبه گرا، مجله ای و شعاری با این تعریف، پذیرفتن این تعریف، معماری معاصر را در طیفی از ساختمان های با ارزش تا کم ارزش جای می دهد که علاوه بر این، معلوم می شود که افراد، نهادها و باورها ی مختلفی در کیفیت تولیدات آن نقش دارند و دیگر کسی نمی تواند از زیر آن شانه خالی کند؛ حتماً زیاد شنیده اید که هر ساختمانی که ساخته می شود معماری نیست، اما از نگاه این نوشتار، بی تردید، هر ساختمانی که ساختمانی شود و در معرض زندگی قرار می گیرد، بخشی از معماری معاصر خواهد بود. اینک با این تعریف، برویم سراغ داستان معماری معاصر تهران و فصولی از آن را با هم بخوانیم. با نگاهی به کارکرد و مالکیت ساختمان ها در تهران می توان به یکدسته بندی کلی رسید: دسته نخست، ساختمان های دولتی و عمومی که تحت مالکیت دولت هستند و از منابع دولتی ساخته می شوند؛ دسته دوم، ساختمان های خصوصی که تحت مالکیت خصوصی هستند و از منابع آن ها ساخته می شوند آنچه در این مقاله به شکلی موجز و مجمل آورده می شود، ترکیبی است از واقعیت های پیش روی شهرسازی در ایران، و نگرانی هایی که از اقدامات مقطعی شهرسازی، و تبعات آن در بلندمدت وجود دارد. محدوده این بیان، بیشتر بافت های درونی و بخش هایی از بافت میانی شهرهای امروزی ما را در بر می گیرد که ذخائر فرهنگی، تاریخی و خاطره ایشهرها را در خود جای داده اند، و در عین حال، بسیاری از ویژگی های کارکردی شهرها در همین دوران را نیز در دل خود محفوظ داشته اند. شرایط فرسودگی، و برداشت هایی که از این مفهوم تسری یافته است، موجب گردیده تا فرآیند مواجهه با بخش های مهمی از عناصر موجد شهریت، ناپخته و معمولی باشد، و از سازوکارهای مرسوم ساخت و ساز، و به عبارتی «ساخت و سوخت» تبعیت کند؛ حال آنکه اگر نخواهیم مقهور چنین رویه بی سرانجامی شویم، و از دیگر سو، به دامان بی دوام حفاظت منفعل از بناها و بافت ها، و منع هرگونه اقدام توسعه ای در این محدوده ها پناه ببریم، راه حل میانه ای موجود است که جای طرح دارد، و می باید از سوی جریان های مرتبط با اقدامات شهرسازانه مورد توجه و مذاقه قرار بگیرد. ضربآهنگ این متن اما، آنطور که خواهید دید، فراز و نشیب هایی دارد که دلیلش، نوع نگاه و شیوه ای است که برای انتقال بسیاری از گفتنی ها، در مجال کوتاهی و به نحوی موجز به کار رفته است. شرایط واقعی بافت های درونی و میانی شهرهای ما، هرچه که هست، هنوز نشان هایی قوی از شهریت دارد؛ عناصر شهری، هرچند فرسوده اند، و گرد گذشت ایام بر خود گرفته، اما هنوز در عذار زخمی خود، نمایی از عزمی برای ایجاد و آن گونه که فرا ...

کلمات کلیدی:

بازآفرینی معماری سرزمینی، الگوی معماری بومی، معماری حفاظت محور، احیاء فرهنگ مبنای معماری، معماری پایدار و اواصل، شایستگی ساخت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/347998>



